

## بسم الله الرحمن الرحيم

ضمن توضیح خیلی مختصر هر یک از مفاهیم زیر، ارتباط آن ها را با یکدیگر بیان کنید.

۱. فرهنگ

۲. کنترل

۳. انسان

فرهنگ : قوانین و روح ناخودآگاه حاکم بر رفتار اعضا(انسان) سازمان  
انسان: عضو موثر بر امور و اهداف سازمان هم از جهت تعیین(مستقیم و غیر مستقیم) اهداف و هم از جهت نیل به آنها  
کنترل: نظارت مراقبت از سازمان برای حرکت آن در مسیر مشخص و اجرا نقشه راه

با تنظیم معیار ها و متغیر های فرهنگی افراد و جو یک سازمان را میتوان چراغ خاموش و نامحسوس(در مقایسه با اعمال قدرت مستقیم بر انسان ها و خط فرمان)کنترل ناخودآگاه کرد یا حداقل میتوان تعیین فضا و ذائقه سازمان و افراد آن (انسان) را در دست داشت .

شاید از جهتی دیگر به جای آنکه فرهنگ مقدم و کنترل موخر باشد؛

کنترل را مقدم و فرهنگ را موخر فرض میکنیم و این طور تحلیل میکنیم که:

ابتدا با کنترل و مراقبت هایی که برانسان( اجزا سازمان) داریم فرهنگ و یک روش را حاکم و رایج بر نظام میکنیم  
و سپس با فرهنگ و روش مطلوبی که خود آن را طراحی کرده ایم،کنترل و نظارت سهل تر دقیق تری را رقم میزنیم  
و در نتیجه با هزینه و حاشیه کمتر اعمال قدرت مستقیم، سازمان کارا تر خواهد شد.

۱. تقسیم کار

۲. ساختار سازمانی

۳. قدرت

ساختار سازمان: طرح و نقشه سازمان و برنامه وظایف نظام مدنظر.

قدرت :اهرمی برای رسیدن به اهداف

تقسیم کار:در نظر گرفتن روابط معین و واضح بین کارها (نه تنها متباین)

اهداف سازمان با انجام کار ها محقق میشوند و این کارها به عهده افراد سازمان هستند  
برای اجرای بهتر و کارا تر اهداف،ایجاد ساختار سازمانی و به عهده گذاشتن وظایف با تقسیم بندی های مناسب آنها)  
یعنی همان مفهوم تقسیم کار) واجب است؛در واقع میتوان گفت زوج مرتبی وجود دارد بین "کارها و دستورات" و  
"افراد سازمان"،کارها با تقسیم آنها متمایز و مشخص می شوند و افراد سازمان با در نظر گرفتن ساختار سازمانی. در  
ادامه میتوان گفت سیر و حرکت این زوج مرتب ها و این تابع با قدرت و اعمال آن اتفاق میفتد